

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۳۰ مارچ ۲۰۱۴

خر خودتان هستید!

این عبارت را معمولاً انسان های هوشمند، زمانی که حوصله شان سر می رود، در برابر کسانی به کار می برند که دانسته و نادانسته به هوشمندی و ذکاوت آنها به شکل غیر مستقیم توهین می کنند.

در اتاق تحقیق در زندان، دو یا سه نفر مصروف تحقیق و پرس و جو از کسی هستند که گمان می رود مرتکب جرم یا جنایتی شده است.

بازرسان، طبق معمول انتظار دارند که متهم به آنچه آنها می گویند اعتراف کند و بپذیرد که کاری خلاف انجام داده است. طبیعیست که برای گرفتن اعتراف راه های گوناگونی به کار برده می شود. یکی از این راه ها این است که یکی از چند نفر بازرس، به گونه مثال، درحالی که رفیقانش با خشونت و درشتی تمام با متهم برخورد می کند، با ملایمت غیرقابل باور به نصیحت متهم می پردازد و به او وعده کمک و مساعدت، حتی رهایی کامل از آن مخصه را می دهد. همه این مهربانی ها از برای آن است که متهم را فریب بدهند و از او، جرمی از او سر زده باشد یا نه، اعتراف بگیرند. پرواضح است که بعضی اوقات، به خصوص زمانی که متهم شخص ساده و خوش باوری باشد، اگر مرتکب جرمی هم نشده باشد، این تدلیس و تلبیس کار خود را می کند و بازرسان که به مقصد رسیده اند متهم را با یک عالم امیددی که شاید در آخرت هم عملی نشود، تنها می گذارند و می روند.

دیروز به صفحه بی.بی.سی. رفتم و گزارشی: "روحانی در کابل: یکجا با افراط گرایی مبارزه کنیم" را که به ارتباط جشن جهانی نوروز تهیه شده بود، بعد از دو روز، مرور کردم.

برداشت من از قضایای کشور و موقف بسیار خصمانه ای که در عمل پاکستان و ایران در برابر ما اتخاذ نموده اند مرا به یاد این عبارت انداخت و بدون این که ملاحظه ای به دیپلوماسی و ادب و اخلاق داشته باشم گفتم خر خودتان هستید و درست در همین روز به این فکر افتادم که تحت همین عنوان این واقعیت را که این دو کشور در زبان یک چیز می گویند و در عمل چیز دیگری می کنند، اگرچه ده ها هزار بار در این رابطه از هزار قلم نوشته شده است، با همین عنوان درشت، ولی بجا، یک بار دیگر از نظر خوانندگان این قلم بگذرانم.

امید به خاطر انتخاب عنوان بالا مرا ملامت نکنید، چرا که من فکر می کنم ما، هر یک از ما، این حق را داریم که، اگر لازم افتد، در برابر کسانی که غیر مستقیم ما را مانند خر، به اصطلاح عام، نادان و کم عقل و کند ذهن می خوانند، همین عبارت و تصور را به کار ببندیم.

آقای روحانی - نقل از صفحه بی.بی.سی. - می گوید: «کشورهای منطقه باید به تقلید از بهار، اعتدال را پیش بگیرند و یکجا با افراط گرایی مبارزه کنند. سران دولت ها در حوزه نوروز باید به اساس سنت ملت های شان، از دولت های خود

غبار رویی کنند و قهر و کینه را دور سازند و همزیستی را تقویت کنند. رهبران منطقه باید به شیوه نیاکان خود در نوروز به ملت خود عیدانه (عیدی - از من) بدهند. بیائید به تقلید از سیرت نوروز که صورتش از نسیم بهاری خوش است، راه و رسم اعتدال در پیش گیریم که اعتدال محدود به شعار یک شخص و یک کشور نیست... امروز ندای اعتدال گرائی دعوت به صلح است. نوروز امسال در کشوری جشن گرفته می‌شود که قربانی جنگ و افراطیت بوده و بارها در مقابله با افراط گرائی ایستاده و چون ققنوس سر از زیر خاک بیرون آورده و استقلال خود را احیاء کرده است. کشورهای منطقه می‌توانند بر اساس سنت نوروز و بر مبنای منافع مشترک، تجربه‌ای بی‌نظیر از همکاری منطقه‌ای را سامان دهند.»

وقتی به ظاهر کلمات نگاه کنیم و محتوای جملات را به بررسی بگیریم، حقا که هر کلمه زیبا و هر جمله بسیار انسانی و خوش آیند هستند، اما آیا ایران واقعاً به این گفته‌ها باور دارد و خواهان آن است که در منطقه، به خصوص در افغانستان، صلح به وجود بیاید؟ صلحی که هر یک، هم افغانستان هم ایران و دیگران، بتوانند در پرتو آن خواسته‌های ملی - انسانی - جهانی خویش را جامه عمل بپوشانند و پیرو و برده و بنده دیگری نباشند. در مورد ایران و دوگانگی در گفتار و کردار ایشان تنها به یک مثال اکتفا می‌کنم؛ به دلیل این که این مقاله طولانی و خسته کن نشود:

بند سلما که بیشتر از سی و پنج سال پیش، در زمان محمد داوود خان مرحوم طرح و ساختمان آن در مسیر دریای هریرود در همان زمان آغاز شد و کار اعمار آن تا کودتای ننگین هفت ثور در حدود سی در صد به اكمال رسیده بود و اینک کشور هند می‌خواهد با کمک هشتاد میلیون دلاری بلاعوض به افغانستان آن را به پایه اكمال برساند، چندین بار از زمان استقرار حاکمیت جمعیت اسلامی تا امروز مورد حمله آیدای ایران قرار گرفته و تخریب شده است، صرف برای این که از رفتن تقریباً تمام آب این دریا به ایران جلوگیری نشود - قسمتی از آب این دریا بعد از خروج از مرز های افغانستان به ایران و قسمتی هم به ترکمنستان می‌رود. اما ترکمنستان را نمی‌توان با آن اخلاق و سیاستی که آن کشور و سیاستمداران آن دارند، متهم به این کار شرمگین کرد.

آیا این کار ایران با این گفتار روحانی تطابق دارد؟ روحانی چه فکر می‌کند، ما آنقدر احمق هستیم که این حرکت آشکار ایران را نمی‌بینیم و نمی‌فهمیم؟ از سخنان روحانی همینطور استنباط می‌شود! ما احمق نیستیم، آقای روحانی! بلکه احمق باوجود ظرافت‌ها و شیرین‌زبانی‌ها تعلق به شما دارد؛ نه به ما!

شما هیچ‌گاه نخواستید اید بخشی از مردم این کشور از نعمت بزرگی به نام برق مستفید شوند و شکم گرسنه‌شان سیر گردد. شما از همکاری حرف می‌زنید؛ ولی بندی را که می‌تواند برای صدها هزار خانواده برق تولید کند و صد‌ها مشکل دیگر مردم را حل نماید به وسیله نوکران تان تخریب می‌کنید. به همین می‌گوئید: همکاری؟!!

ما می‌توانیم از آب این بند در عرصه کشاورزی کار بگیریم و حداقل بخشی از مردم کشور خویش را از گرسنگی نجات بدهیم، اما شما با جلوگیری از احداث بند نان این مردم را از دهن‌شان می‌گیرید. به همین می‌گوئید: همکاری؟!!

ما به این کار شما می‌گوئیم: دشمنی و افراطیت و جنگ پنهان با ما که شما آن را با ما به راه انداخته‌اید! شما حتی به این گفته خود تان باور ندارید که چون ققنوس سر از زیر خاکستر برآوردن این ملت شاید روزی همانگونه که در برابر ده‌ها متجاوز خرد و بزرگ ایستاده شد در برابر شما هم ایستاده شود و نه کرزی وار که سدید وار به شما بگویند که آقای روحانی مگر این شما نبودید که به ما این جفا‌ها را کردید؟؟ آن وقت با چه روئی به چشم ما نگاه خواهید کرد، اگر سیاستمدار نمی‌بودید. و اگر مردی می‌بودید که واقعاً به اخلاق الهی، همانگونه که از داشتن آن حرف می‌زنید، ملبس می‌بودید؛ نه به ظاهر و به نام و به...

و اما در مورد سخنان ممنون حسین، رئیس جمهور پاکستان باید گفت که:

«آقای حسین! کمی از خدا بترسید و از مردم شریف جهان حیا کنید! گذشته از آنچه در طول چندین دهه گذشت، طی این ده روز از حمله وحشیانه به هوتل سرینا گرفته تا حمله به مرکز ثبت نام سربازان، حمله به دفتر انتخابات در دارالامان و حمله یک یا دو ساعت پیش به دفتر انتخابات در پشتون کوت پلچرخ - یکی از دوستان در تیلفونی که دو یک ساعت پیش از کابل به من نمود این خبر را داد، حمله به مؤسسه غیر دولتی به نام ریشه های صلح در غرب کابل و حمله بعدی یعنی دومین حمله در همین منطقه، حمله انتحاری در کندز، حمله انتحاری در شهر اسعدآباد کنزو...، ده حمله در طول ده روز، نظر کنید.

به آن دو کودک خرد سال و مادری که در حمله هوتل سرینا همراه با پدر و شوهر شان کشته شدند نظر کنید. به هر یک از آن نه نفری که طی حمله به هوتل سرینا کشته شدند نظر کنید. هر کدام این ها پدر و مادر و دختر و پسر و زن و شوهری داشتند. و به کسانی که در سائر حملات کشته شده اند!

آیا همسایگی نیک همین است. اگر همسایه نیک چنین است، که شما، آقای حسین، ادعای آن را دارید، بفرمائید که همسایه بد چگونه و کدام خواهد بود؟

امروز اگر نیک دیده شود و اگر تنها از مسأله نورو بگذریم، ما هیچ گونه مشترکات با شما نداریم. چرا که نه ما تروریست هستیم و نه تروریست پرور. دو رو و متقلب و فریب کار و دروغگوی هم نیستیم!

قول و عمل ما همیشه یکی بوده است (کرزی در حساب نیست. برای این که او هم پرورده دست شماست.) چون ما واقعاً به صلح نیاز داریم. صلحی که از طرف شما برهم زده شده است و برهم زده می شود. کشوری که به صلح نیاز داشته باشد، همیشه برای دست یافتن به صلح صادقانه عمل می کند!

بن لادن در خاک پاکستان پیدا شد. طالب و حقانی و چندین حرکت و جنبش و لشکر تندروی که واضح اعلام می کنند که ما با جمهوری در هر کجای دنیا که هست مشکل داریم از خاک پاکستان تمویل و تجهیز می شوند و به خاک کشورهای دیگر از جمله به خاک افغانستان اعزام می گردند. حکمتیار را شما زیر پر و بال گرفته اید. کجای اینکار به دوستی و همسایگی نیک شباهت دارد؟ همین است حمایت شما از کوشش ها به سوی صلح!

ما به حرف های اینسانی شما، هم پاکستان و هم ایران، وقتی باور می کنیم که شما در عمل دست از مداخله در امور کشور ما بردارید و مانند دولت هند با صداقت و شریفانه به ما در امر بازسازی و نوسازی و ایجاد امنیت و تأمین صلح همکاری جدی کنید. در غیر آن همانگونه که گفتیم: "خر خودتان هستید، نه ما!"

و کرزی هم با سادگی یک انسان کم عمق حرف های شما را باور کرده شما را برای تجلیل این جشن دعوت می کند و مقام خواهر و برادر را برای شما اعطا می نماید: "برای ما افغانها، جشن نورو بهانه زیبا و فرصتی است تا با برادران و خواهران خود جمع شویم تا با مشترکات تمدنی و تاریخی خود آشنا شویم و برای توسعه و تعمیق زمینه های همگرایی و منطقه ئی بکوشیم. آینده سرزمین های ما در گرو این همگرایی هاست."؛ بدون این که فکر کند، مانند یک افغان با احساس و با عاطفه، که کدام جشن!! کدام عید!! هر ساعت و هر روز در کشور ما ده ها خانواده در سوگ مرگ عزیزان شان مو می کنند و رو می خراشند و این آقای، جشن می گیرد! دعوای پاک و صداقت و درست کاری را هم دارند! نشستن مردمان درست کار و درست پندار با مردمان دروغگو و دغل و تروریست پرور را کدام عقل باور خواهد کرد؟!!

شاید هم کرزی یا کسی که آن بیانیه را برایش نوشته است کلمه "همگرایی" را به درستی نمی داند. همگرایی یعنی گرایش مشابه با هم داشتن، یعنی پیوستگی اجزای یک مجموعه به یک دیگر، یعنی همگروه و همگام بودن با کسی یا کسانی.

سؤال من از کرزی این است که کدام تروریست زیر پر و بال و زیر حمایت شما قرار گرفته است و حمایت و تمویل و تجهیز می شود که خود را در پیوند با پاکستان اجزای یک مجموعه می خوانید؟
ممکن شما از آنچه خودتان هستید، صحبت می کنید؛ چرا که ملت افغان هیچگاهی ادعائی یکی بودن با پاکستان را ندارد.

ما با صراحت و با صدای بلند اعلام می کنیم که ما هیچ شباهتی با «ترورستان» نداریم و از هیچ تروریستی حمایت نکرده ایم و حمایت نمی کنیم.

و ما با هیچ سیاستمدار ایرانی و پاکستانی، تا زمانی که این ها چنین هستند، نه همگرایی داریم و نه می خواهیم همگرایی داشته باشیم. شعار مردم ما همواره این است که: "کند همجنس با همجنس پرواز."

و ما، ملت افغانستان، به هیچ صورت با سیاستمداران ایرانی و سیاستمداران پاکستانی همجنس نیستیم. این را هم خدا می داند و هم بنده های شریف و خوش قلب خدا!!!

۲۰۱۴/۰۳/۲۹